درخواست شانزده تن از فعالین جنبش سندیکایی ایران از سازمان بین‌المللی کار

برگزاری مجمع عمومی آزاد کارگران تحت نظارت سازمان بین‌المللی کار

شانزده تن از نمایندگان کارگران و فعالین سندیکایی کشور، با ارسال نامه‌ای به اعضای هیات ویژه سازمان بین‌المللی کار، ضمن حمایت از نامه اخیر نمایندگان کارگران صنعت نفت، خواهان تشکیل مجمع عمومی آزاد و فراگیر کارگران در همه رشته‌های تولیدی و خدماتی زیر نظر سازمان بین‌المللی کار، اجرای تشکیل اتحادیه‌های مستقل کارگران شدند. متن این نامه که نسخه‌ای از آن در اختیار اخبار روز قرار گرفته است به شرح زیر است:

خانم کرتیس و آقای جرنیگان، رئیس اداره آزادی اتحادیه‌ها و رئیس شاخه آزادی انجمن‌ها سازمان جهانی کار

گزارش هیات مشاوره سازمان جهانی کار (پس از سفری که این هیات در تاریخ ۲۷ سپتامبر تا سوم اکتبر ۲۰۰۲ به ایران داشتند) بر این امر تصریح دارد که «... وضعیت جاری در سطح واحد کار، ناقض مفهوم واقعی آزادی انجمن، مندرج در مقاوله‌نامه شماره ۸۷ برای تشکلات کارگری است». (به نقل از زیرتیتر گزارش هیات مشاوره).

واقعیت این است که اکنون بیش از دو دهه است که کارگران ایران فاقد انجمن‌ها و اتحادیه‌های مستقل خود در محیط کار هستند و کسانی که به نام کارگران سخن می‌گویند، نماینده واقعی آن‌ها نیستند.

بر همین اساس، جمعی از نمایندگان کارکنان صنعت نفت ایران طی نامه‌ای که در ماه ژانویه ۲۰۰۳ به شما ارسال نمودند، خواستار همکاری و همراهی مسئولین و کارشناسان آن سازمان جهت حذف تمامی موادی شده‌اند که در قانون کار جمهوری اسلامی به نحوی از انحاء مانع ایجاد تشکلات مستقل کارگری می‌باشند.

ما امضاءکنندگان این نامه نیز که جمعی از نمایندگان تشکلات مختلف کارگری در سال ۱۹۷۹ به بعد می‌باشیم، ضمن حمایت کامل از خواسته‌های به حق نمایندگان کارکنان صنعت نفت و هم‌صدا با آن‌ها خواهان حمایت و پشتیبانی آشکار مشاورین و کارشناسان سازمان بین‌المللی کار در راستای برگزاری مجمع عمومی آزاد و فراگیر کارگران در همه رشته‌های تولیدی و خدماتی، بدون دخالت و اعمال نظر نهادهای دولتی و غیرکارگری، جهت ایجاد اتحادیه‌های مستقل شاغلین رشته‌های مختلف هستیم. شایسته است که برای جلوگیری از هرگونه دخالت نهادهای دولتی، برگزاری این مجمع عمومی و انتخاب نمایندگان در آن، تحت نظارت مستقیم مسئولین سازمان جهانی کار و اتحادیه‌های آزاد بین‌المللی صورت گیرد.

شما در قسمت دیگری از گزارش‌تان به درستی تصریح نموده‌اید که: «هیچ نمونه‌ای از یک توافق واقعی دسته‌جمعی در محیط کار یا در سطح آن بخش ارایه نمی‌دهد. در عین حال که تنها توافقی که اظهار می‌شود تاکنون به عنوان توافق ملی به امضاء رسیده است، توافق حاصله میان «شورای اسلامی کار» و «کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایان ایران» در خصوص شرایط اشتغال به کار کارگران شاغل در واحدهای زیر ۵ نفر است (که به واقع اشاره‌ای به نمایندگی جمعی و کلی کارگران و این واحدهای کوچک که خارج از شمول قانون کار هستند نمی‌کند)».

واقعیت این است که هیچ نمونه‌ای از یک توافق واقعی دسته‌جمعی در محیط کار وجود ندارد. زیرا کارگران ایران فاقد نمایندگان راستین خود هستند. و همان‌گونه که نمایندگان کارکنان صنعت نفت در نامه‌شان روشن ساخته‌اند، با عدم وجود تشکلات مستقل کارگری در ایران امضاء هر گونه قرار داد از طرف کسانی که نماینده قانونی کارگران ایران نیستند، وجاهت قانونی ندارد.

لازم است این خبر جانسوز و دردناک را نیز به اطلاع‌تان برسانیم که اخیرا شورای عالی کار ایران ابلاغیه‌ای صادر کرده است که طبق آن کارگران واحدهای ۱۰ نفر و کمتر نیز از زیر چتر حمایتی بسیاری از مواد قانون کار خارج خواهند شد (۳۲ ماده). از بین‌بردن امنیت شغلی، حذف تعطیلات آخر هفته، کاهش میزان مرخصی سالیانه، لغو محدودیت ساعات کار و حذف محدودیت قانونی در مورد اجبار کارفرما به انجام معاینات پزشکی از جمله مواردی هستند که قرار است در واحدهای ۱۰ نفر و کمتر به مورد اجرا گذاشته شود. در همین راستا اجرای مواد ۴۸، ۴۹، ۵۰ و ۵۱ قانون کار در مورد این واحدها حذف شده است که به این ترتیب این کارگاه‌ها موظف به اجرای نظام ارزیابی و طبقه‌بندی مشاغل نخواهند بود. به علاوه کارگران مشمول اضافه دریافت بابت شیفت‌های کاری شب یا فوق‌العاده نوبت‌کاری نخواهند بود. تعطیلی روز جمعه (که در ایران طی سالیان سال جزء تعطیلات رسمی آخر هفته بوده است) نیز بر اساس مصوبه شورای عالی کار حذف شده و در صورت تعطیلی، مزدی به کارگر پرداخت نخواهد شد. (خبر فوق که در روزنامه رسمی ایران به نام ایران مورخ ۱۵ ژانویه ۲۰۰۳ درج شده، به پیوست ارسال می‌گردد).

این موضوع به ویژه از آن جا اهمیت دارد که اکثریت بزرگی از واحدهای تولیدی و خدماتی در ایران زیر ۱۰ نفر شاغل دارند و خود به خوبی می‌دانید که از کل جمعیت شاغلین کشور تنها ۸ درصد زنان مشغول به کار هستند که حدود نود و نه و نیم درصد آن‌ها در کارگاه‌های زیر ۱۰ نفر به کار مشغولند. و این مصوبه بر فلاکت زنان کارگر خواهد افزود. حتی بر مبنای مصوبه جدید به آن‌ها اجازه نخواهند داد که در زمان کار به نوزادان خود شیر دهند.

بنا به گفته وزیر کار و امور اجتماعی ایران آقای صفدر حسینی با اجرای ابلاغیه شورای عالی کار از «۴۵۰ هزار واحد کاری که تحت پوشش قانون کار قرار داشتند، ۴۰۲ هزار واحد از شمول قانون کار خارج خواهند شد. (به نقل از روزنامه حیات نو، جمعه ۱۰ ژانویه ۲۰۰۳).

ادامه در صفحه ۱۰

اطلاعیه کمیسیون کارگری فدائیان خلق ایران (اکثریت)

ما پشتیبانی می‌کنیم

شانزده تن از نمایندگان کارگران و فعالین سندیکایی کشور با ارسال نامه‌ای به اعضای هیئت ویژه سازمان بین‌المللی کار، ضمن حمایت از نامه اخیر نمایندگان کارکنان صفت نفت، خواهان تشکیل مجمع عمومی آزاد و فراگیر کارگران در همه رشته‌های تولیدی و خدماتی زیر نظر سازمان بین‌المللی کار، برای تشکیل اتحادیه‌های مستقل کارگری شدند.

همزمان با انتشار این نامه متن یک فراخوان بین‌المللی در دفاع از حقوق کارگران ایران نیز به وسیله عده‌ای از فعالین سندیکایی خارج از کشور منتشر گردید که تهیه‌کنندگان این فراخوان با برشمردن موارد متعددی از نقض حقوق کارگران ایران به وسیله رژیم جمهوری اسلامی خواستار حمایت و پشتیبانی همگانی از حقوق کارگران ایران گردیده‌اند. همچنین ۶۲۰ نفر از کارگران لوله‌سازی خوزستان (اهواز) نیز با ارسال شکایت‌نامه‌ای به سازمان بین‌المللی کار در تاریخ ۸۱/۸/۳۰ با تشریح وضعیت معیشتی و اجتماعی خود و شکایت از عدم دریافت حقوق به مدت ۲ سال با استناد به موارد از کنوانسیون‌های سازمان بین‌المللی کار مواردی از چگونگی پایمال‌شدن حقوق اجتماعی و سندیکای خویش را توضیح داده و خواستار آن گردیدند که سازمان بین‌المللی کار به دولت جمهوری اسلامی روی رعایت حقوق کارگران فشار بیاورد.

کمیسیون کارگری فدائیان خلق ایران (اکثریت) اقدامات و تلاش‌های فوق‌الذکر را در راستای کمک به بهبود اوضاع معیشتی، اجتماعی و حقوق سندیکایی کارگران و مزدبگیران می‌داند. لذا ضمن حمایت از این گونه تلاش‌ها همگان به خصوص اعضاها و هواداران سازمان را به حمایت از این گونه اقدامات فعالین کارگری فرا می‌خواند. وضعیت فاجعه‌بار معیشتی و اجتماعی کنونی کارگران، زحمتکشان و تهیدستان طلب می‌کند که فعالین سندیکایی و احزاب و سازمان‌های دموکراتیک و عدالتخواه با تشدید فعالیت و اتحاد هر چه بیشتر ضمن طرد تفرقه‌افکنان با دست‌زدن به اقدامات و فعالیت‌های مشترک در شرایط دشوار کنونی به حمایت از کارگران و مزدبگیران برخیزند.

کمیسیون کارگران فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۹ بهمن ۱۳۸۱

در سوگ سرو خزری

به خاطره عزیز حسین جورشری (جواهری)

چکاوک خزری بود در گلوی قلندر
که مهر را به غزل می‌سرود و خود می‌خواند
در آن شبی که به «مهتاب» مهر روشن بود
دوصد ستاره به آهنگ مهر می‌رقصاند

سرود گیلکی‌اش را به مهر سر می‌داد:
کتاب عشق و محبت همه ز بر کردم
به بال عاطفه پرواز می‌کنم سویت
من از سکوت و سیاهی چنین گذر کردم

به شور کور و بر، های های باران باش
حریم دل بگشا، آفتاب تابان باش!
چو نار سرخ باش و هزار دل می‌باش
چو شعله سحری «زیور» درخشان باش

چو او شراب شادی و شوریدگی همیشه بنوش
بشو مرکب کین را ز دست و به کینه مکوش!
تو ای غمین نشسته به سوگ صدای سبز و خوشش
بپیچ چو عشوه‌ی نیلوفر، عیب سرو و بپوش!

به کیمیای مهر طلاکن تو آهن جان را
به «آرش» اندیشه‌ات بده کمان زمان را
خدنگ عشق و محبت بزن به سینه‌ی کینه
که از کریوه دوران به دربری دل و جان را

خسرو باقرپور

در سوگ رفیق حسین جواهری!

آنکه زندگی را می‌پرستید از میان برفت

بهزاد کریمی

اگر چه چند زمانی بود که گوش به زنگ این خبر شوم بودم، ولی با این همه وقتی تلفن زنگ زد تا بمن بگویند که سرانجام بامداد «حسین» زندگی را بدرود گفته است، باز اندوهی بزرگ بر دلم نشست. در خود فرو رفتم و آنچه را که در طول سالهای آشنائی با «حسین» در او برجسته یافته بودم، دیگر بار جلوی چشمانم گرفتم و برجسته‌ترین ویژگی وی را همان یافتم که بارها بدان اندیشیده بودم: عشق جنون‌وار او به انسان و پرستش عاشقانه زندگی. پرستشی با همه وجود و احساس.

او خود گمان می‌برد که نگاهش به سیاست، مطلقا تعقلی است و در نوشته‌ها و گفته‌هایش سخت اصرار می‌ورزید تا به دیگران بقبولاند که در تدوین سیاست، باید از آنچه که ممکن است آغاز کرد و بر انجام آن چیزی تکیه کرد که ممکن است. اما به این نکته توجه نداشت که در میدان سخت و خشن سیاست در کشور استبدادزده، در هنگامه سیاست‌پردازی تا چه اندازه افراطی از عشقش به زندگی متاثر بود و تا کجا حفظ جان انسانها را به هر قیمت می‌خواست! او در سیاست، اسیر این احساس انسانی بود. او که خود بارها تا پای ریسک جان پیش رفته بود، از هر گونه قمار سیاسی که باخت زندگی انسان را می‌توانست در بر داشته باشد، سخت در هراس بود. می‌شد بر او به خاطر این همه افراط در عرصه سیاست که می‌تواند فلج‌کننده باشد، خرده گرفت. اما در همان حال بر انسانگرائی آنسان نیرومند در «حسین» غبطه نخورد. نگرش وی به انسان و ارج‌نهی او به هستی، یادگار بزرگ او برای ما است.

وقتی که هم دیگر را در راه سوئد برای آخرین وداع با «ماندنی» در آرامگاه «مالمو» دیدیم، در کشتی به من گفت: هیچ چیز برای من عزیزتر از جان دوستانم نیست و من آن‌ها را شاداب می‌خواهم. و بعد از من پرسید: آخر چرا «ماندنی» این چنین ساده، از زندگی دست شست؟

زمانی که در کنگره دوم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بحث نوع تشکل در درون کشور به میان آمد، او آرام و قرار نداشت. به التماس و با فریاد به همه می‌گفت: حتی جان یک انسان نباید به خطر بیفتد. او در پایبندی به این باور، از اصل پرهیز از خشونت به امر گریز از میدان خشونت می‌رسید! اما به راستی نه از موضع جبن و ترس، بلکه همانگونه که گفتم از دیدگاه سحرزده حفظ زندگی انسان‌ها.

«حسین» به هفتمین کنگره نیز آمد. از نخستین برخاست، عدم مجوز پزشکی را نادیده گرفت و خود را در حلقه دوستان جا داد. دیدار این بار ما با یکدیگر اما در حالی بود که هم دوستانش و هم خودش، آگاه بودند که «حسین» را مهلت بیش از چند ماه نیست. اما هر کس از احوالش پرسید، پاسخ گرفت: با عفریت مرگ در نبردم تا مبادا که بمرگ زندگی غلبه کند! این «گیلمرد» در شبی که همگی به چشن نشستیم، با شوری که به پا کرد فضا را به تسخیر خود درآورد. او از حنجره‌ای که آرام آرام به دست عفریت مرگ فشرده می‌شد، صدایی بس شگفت‌انگیز بیرون داد و همگان را به تکرار ترجیع‌بند همه آوازهایی که بلد بود و همه را هم خواند، واداشت. همگان را احساس دوگانه شادی و اندوه فرا گرفته بود. این اندوه ژرف که: دریغا که این یار شادی‌آفرین چند صباحی بیش نخواهد پائید. حسین برای دفاع از اصلاح‌طلبی به کنگره نیامده بود. او آمده بود تا یک بار دیگر و این بار در واپسین روزهای زندگی‌اش که می‌رفت تا به دست خزان مرگ بپژمرد، پیام زندگی را در دل یاران بنشاند. حسین در رفتار انقلابی بود و تا به آخر انقلابی ماند.

هر یک از ما در جریان زندگی سیاسی و سازمانی خود، سخن و باورهای خود را داریم که چه بسا با تغییر شرایط، به تجدیدنظر در آن‌ها بر می‌خیزیم. یا هم جدل می‌کنیم که گاه به توافق می‌رسیم و گاه در اختلاف نظرهایمان باقی می‌مانیم. اما آن چه که می‌ماند و باید بماند، و آن چه که ماندگار است و پایدار، دوست‌داشتن همدیگر است. و دوست‌داشتن نه برای آن که صرفا با خانواده‌ای محکم و دربسته در خود بمانیم که بی‌گمان فکر حقیری است بدل از آن رو که از خود به کلان برسیم، احساس اومانیستی خود در قبال انسان را پرورش دهیم. کمونیزم در بعد اخلاقی خود همین است.

دوست داشتن هم دیگر در میان ما برای آن است و برای آن باید باشد که انسان را دوست داشته باشیم و هستی را بپرستیم. ما را رسالت برای نیستی نیست. ما برای هستی، هستیم. سوگ ما در از دست‌رفتن حسین، هم پیش از همه باید اندوه نیست‌شدن یک جزء از هستی‌مان باشد.

در هر جمعی، کسانی هستند که وقتی فنا می‌شوند، جای‌شان به گونه‌ای خودویژه خالی می‌ماند. ماندنی از چنین کسانی بود و جواهری نیز از این کسان. در هر گردهمایی ما، از آن‌ها یاد خواهد شد.

و هر گاه که زیور، مهتاب و آرش را ببینیم، چهره خندان حسین را به خاطر خواهیم آورد که حتی زمانی هم که به جوش و خروش می‌آمد، چهره‌اش انسانی بود.

رفیق حسین جورشری (جواهری) درگذشت

رفیق حسین جورشری (جواهری)، یار دوست‌داشتنی، صمیمی و شجاع ما، در روز ۲۳ بهمن، ۱۲ فوریه زندگی را بدرود گفت و همه بستگان و دوستان خود را در غمی سنگین فرو برد. سرطانی جانکاه از مدتی پیش پیکر حسین را در چنگال مرگ‌آفرین خود گرفته بود و سرانجام در ۴۵ سالگی جان جوان و شیفته‌اش را گرفت.

حسین از تبار مردانی از آن گونه عاشق بود که تباهی از درگاه بلند خاطره‌شان سرافکنده و شرمسار می‌گذرد.

او آزادخواه و آزاداندیش و از یاران قدیمی سازمان بود. مهربانی و صمیمیت، انسان دوستی و صراحت حسین او را محبوب همه آشنایان بویژه یاران همرزمش ساخته بود.

نشریه کار درگذشت حسین را به همسر وی زیور، فرزندانش مهتاب و آرش، دیگر بستگان وی به همه یاران و دوستانش تسلیت می‌گوید.

اطلاعیه هیات رئیسه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در سوگ رفیق حسین جورشری

رفیق عزیز! دوستی مهربان! مبارزی خستگی‌ناپذیر و آزاداندیشی پرشور از میان ما رفت و ما را در اندوهی عمیق فرو برد. حسین عزیز پس از دو سال تحمل رنجی جانکاه که ناشی از کشاکش جسم جانش با سرطان - این مهمان ناخوانده تنش - بود چشم از جهان فرو بست.

رفیق و همرزم ما حسین! فعال برجسته جنبش دانشجویی که دوره پرتلاطم انقلاب را پشت سر گذاشته بود؛ به عنوان کادر سازمانده و متعهد سال‌های مبارزه مخفی؛ دوران وحشتناک پس از ضربه را در داخل کشور تجربه کرده و روزها و ماه‌های سیاه قتل عام همرزمان و یارانش را در نظام جمهوری اسلامی با تمام وجود خود لمس کرده بود.

حسین عزیزمان به باور همه کسانی که او را می‌شناختند نمونه‌ای از انسانی مهربان؛ دوست داشتنی؛ آزادیخواه که فداکار و مملو از عشق به انسان‌ها بود. همین خصایل والای انسانی از او شخصیتی نمونه ساخت که مخالفین فکری‌اش را دوست می‌داشتند و او نیز همیشه دوست صمیمی آنها باقی ماند. او دوست نداشت و بسیار نادرست می‌دانست که سیاست میدان و ابزار فرسایش جسم و جان و تقابل‌های بی‌حاصل گردد.

حسین برای سازمان ما چهره شناخته‌شده و پیگیر راه مسالمت‌آمیز مبارزه اجتماعی و مدافع خستگی‌ناپذیر تحولات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور از طریق اصلاح و رفرم بود و در این راه هر آنچه در توان داشت دریغ نکرد.

رفیق حسین گرچه در سال‌های اخیر از حضور مستقیم تشکیلاتی در سازمان فاصله گرفت ولی در تمام این سال‌ها مسائل ریز و درشت سازمان را با حساسیت و مسئولیتی ویژه دنبال کرده و برای آن‌ها دل می‌سوزاند. حضور فعال او در کنگره‌های متعدد سازمان و ارائه برنامه و خط مشی شاهد چنین مدعا است او با وجود اطلاع از شدت بیماری‌اش در کنگره هفتم سازمان حضور یافت. این بار نه برای تبلیغ مشی اصلاح‌طلبی بلکه بیشتر برای وداع با یاران و همرزمانش حضور یافته و در شب جشن کنگره همراه آن‌ها به پایکوبی پرداخت.

هیات رئیسه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از طرف شورای مرکزی و همه اعضای سازمان بار دیگر درگذشت حسین جورشری همرزم فدائیان و همه مبارزان راه آزادی و دمکراسی و عدالت اجتماعی را به همسر سخت‌کوش و مهربان، فرزندان، خانواده و همه یاران بی‌شمار وی تسلیت گفته و یاد این عزیز از دست‌رفته را گرامی می‌دارد.

هیات رئیسه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲۹ بهمن ۱۳۸۱ برابر ۱۸ فوریه ۲۰۰۳